



سال ششم • پاییز و زمستان ۹۹ • شماره ۱۳

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 6, No. 13, Autumn & Winter 2021

مدل مفهومی انسان کریم بر اساس منابع دینی

* حامد قوام

** سید مهدی خطیب

چکیده

کرامت مفهومی اساسی در متون دینی، اخلاقی و روان‌شناسی است و مبنایی تعیین‌کننده برای تعالی و رشد انسان به شمار می‌رود. هدف این پژوهش تدوین مدل مفهومی انسان کریم بر اساس منابع دینی است و در پی آن است تا ویژگی‌های انسان کریم را در منابع اسلامی شناسایی کند. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی و مبتنی بر روش فهم روان‌شناختی متون دینی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مدل مفهومی انسان کریم دو ویژگی حیا و صبر ویژگی‌های زیربنایی برای رفتار کریمانه به شمار می‌آیند و این دو ویژگی مبنای شکل‌گیری رفتار فرد کریم در سه ساحت: مواجهه با امکانات، مواجهه با نیازها و روابط بین فردی است. بر اساس مدل پیشنهادی مشخص شد که در هر ساحت ویژگی‌های منشی مختلفی همچون قناعت برای ساحت مواجهه با امکانات؛ جود، احسان و ایثار برای ساحت مواجهه با نیازها؛ و حسن خلق، شکر، وفا، عفو، صبح، غفران، کظم غیظ، تغافل و انخداع برای ساحت روابط بین فردی وجود دارد که رفتار کریمانه را در همه این ساحت‌ها موجب می‌شود. نتیجه آن که وجود مجموعه این ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری، الگوی انسان سالم را از منظری روان‌شناختی فراهم می‌آورد که فرد را در مواجهه با مشکلات توانمند می‌سازد.

واژگان کلیدی: انسان کریم، کرامت، حرمت‌خود، فضیلت، مدل مفهومی، منابع دینی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث | hamed.gavam1233@gmail.com

** استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

مقدمه

کرامت یکی از ویژگی‌های برجسته انسان و مبنایی برای تعالی و رشد او است و خداوند متعال با خلقت ویژه‌ای که به انسان داده است او را نسبت به سایر موجودات کرامت داده و برتری بخشیده است^۱ (اسراء: ۷۰). کرامت در تحلیل رفتارها و فرآیندهای ذهنی انسان و پیش‌بینی کنش‌ها و واکنش‌های او نقش مهمی دارد و انسان با کرامت رفتارهای سنجیده و سازگارانه‌ای دارد^۲ (کراجکی، ۱۴۱۰) و با انجام رفتارهای نسنجیده خود را بی‌ارزش نمی‌سازد^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰). سازه کرامت، به دلیل برخورداری از توانمندی‌ها و فضایل متعدد، الگویی کارآمد برای زندگی سعادت‌مند و رضایت‌بخش به شمار می‌رود (خطیب، ۱۳۹۹).

کرامت انسان، از گذشته دور تا به امروز مورد توجه ادیان الهی، حکما و اندیشمندان دینی بوده است. ارسطو کرامت را مفهوم بزرگ اخلاقی و به معنای ارزشمندی می‌داند که در درون خود بسیاری از فضائل انسانی را دارد و از خردورزی انسان ناشی می‌شود (خزاعی، ۱۳۸۹). در اندیشه اسلامی نیز به موضوع کرامت توجه ویژه شده است. ملاصدرا، حکمت و خردورزی را محور اصلی کرامت انسان دانسته است (محمدپور دهکردی، ۱۳۹۱)، شهید مطهری نیز کرامت را محور اخلاق اسلامی و ریشه‌ای برای ملکات اخلاقی می‌داند (مطهری، ۱۳۹۲). از این منظر، تأمین نیاز به کرامت موجب اعتلای روانی است و کرامت نفس موجب بازداري انسان از رفتارهای پست و ذلت‌بار و بهترین زمینه برای بهداشت روان است و در مقابل، بی‌ارزش شدن نفس زمینه‌ساز اختلال‌ها و بیماری‌های روانی و از عوامل تهدیدکننده بهداشت روان است (شجاعی، ۱۳۸۶).

آموزه‌های دینی نیز به بیان اهمیت و ویژگی‌های رفتاری انسان کریم پرداخته‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم، انسان را «نوع کریم»^۴ معرفی کرده (اسراء: ۷۰) و کرامت را مبنای «فضیلت‌مندی»^۵ وی دانسته است (همان). این بدان معناست که نوع انسان، فی‌نفسه کریم خلق شده است و شایستگی کرامت افزون را نیز دارد (جوادی آملی، ۱۳۶۹). همچنین به دلیل اهمیت مفهوم کرامت،

۱. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

۲. عن علی عليه السلام: من كَرَّمَ أصله حَسَنٌ فَعَلَهُ

۳. عن علی عليه السلام: من كَرَّمَت عليه نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ

۴. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

۵. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

در موسوعه‌های حدیثی یک باب به تبیین ماهیت آن اختصاص یافته است (برای نمونه ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۴۱؛ ترمذی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۹۳؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۵، ج ۱۰، ص ۹۰). در این آموزه‌های حدیثی، سبب بی‌ارزش شدن دنیا^۱ (حرانی، ۱۴۰۴؛ ص ۲۷۸) و خواهش‌های نفسانی^۲ (سیدرضی، ۱۴۱۴)، وجود کرامت در انسان دانسته شده است.

واژه کرامت به مفهوم «حرمت‌خود»^۳ (عزت‌نفس) در روان‌شناسی که هسته معنایی آن، ارزشمندی و برتری وجودی است، نزدیک است. حرمت خود تمایل فرد به این است خود را قادر به کنار آمدن با چالش‌های اصلی زندگی و شایسته شادکامی بداند (هفرن^۴ و بونیول^۵، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱). بررسی حرمت‌خود به‌عنوان سازه شخصیتی، در نظریه انسان‌گرایانی مانند راجرز و مزلو قابل‌پیگیری است (کلارک، کلمز و بین، ۱۳۷۸). مزلو^۶ (۱۹۷۰ و ۱۹۸۷) حرمت‌خود را یکی از نیازهای عالی انسان و هسته مرکزی ساختار روانی افراد می‌داند که آن‌ها را در برابر اضطراب محافظت کرده و آسایش خاطرشان را فراهم می‌سازد. ویلیام جیمز^۷ حرمت‌خود را احساس خودارزشی که از نسبت موفقیت‌های واقعی بر موفقیت‌های آرمانی به دست می‌آید، تعریف کرده است (کار^۸، ۱۳۸۵، ص ۳۷۷). همچنین کوپراسمیت^۹ حرمت‌خود را نوعی ارزشیابی می‌داند که شخص درباره خود انجام می‌دهد و آن را حفظ می‌کند. این امر بیانگر نوعی نگرش تأیید و یا عدم‌تأیید است و حدی است که شخص اعتقاد به توانایی موفقیت و ارزش خویش دارد (محمدعلی‌نژاد، ۱۳۹۵).

افراد با حرمت‌خود بالا، ارزیابی نسبتاً ثابتی از توانایی‌ها و ویژگی‌هایشان دارند. آن‌ها نقش فعالی در گروه‌های اجتماعی داشته و همیشه به‌طور کارآمد دیدگاه‌های خود را بیان می‌کنند و با کمترین ترس، تعارض و تردید به‌طور مستقیم و واقع‌بینانه به‌سوی اهداف شخصی گام برمی‌دارند (کوپراسمیت، ۱۹۶۸). افراد با حرمت‌خود بالا، دارای ویژگی‌های سازگاری شخصی مناسب در

۱. مِنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا

۲. مِنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ] شَهْوَاتُهُ

3. Self Esteem

4. Hefferon, K

5. Boniwell, I

6. Maslow, A

7. James, W

8. Caar, A

9. Cooper Smith, S

سرتاسر عمر، عواطف مثبت، خودمختاری شخصی و جنسیتی، منبع کنترل درونی، ایفای تعهدات شخصی، خوب کنار آمدن با انتقاد یا بازخورد منفی، خوب اداره کردن فشار روانی، ابراز سطوح پایینی از خود انتقادی و انتقاد از دیگران‌اند. همچنین، حرمت خود بالا، با پیشرفت (نه شکست)، برخوردار بودن از قدرت و مهارت برای تأثیرگذاری بر دیگران (نه بی اقتداری) و موردقبول و تأیید دیگران بودن (نه مطرود بودن)، رابطه دارد (کار، ۱۳۸۵، ص ۳۸۲). هولدر و کلاسن در پژوهش خود بیان می‌کنند که برخی از صفات شخصیت مثل حرمت خود با ارتقاء بهباشی رابطه دارند (هفرن و بونیول، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱). در مقابل، حرمت خود پایین، با سازش روانی ضعیف، مشکلات روانی از جمله افسردگی، اضطراب، سوء مصرف مواد، اختلالات تغذیه، دشواری در ایجاد و حفظ روابط پایدار، اداره ضعیف فشار روانی، کارکرد ضعیف دستگاه ایمنی، تجربه فشار روانی و خودکشی مرتبط است.

در روایات اسلامی به ویژگی‌های رفتاری و صفات اخلاقی انسان کریم اشاره شده است و مؤلفه‌های وجودی کرامت نیز بیان شده است اما پژوهش‌هایی که این مؤلفه‌ها را به هم پیوند دهد و مدلی روان‌شناختی از انسان کریم ارائه دهد، صورت نگرفته و خلأ پژوهشی در این زمینه از چشم‌اندازی روان‌شناختی و با تأکید بر آموزه‌های دینی مشهود است. از این رو این پژوهش بر آن است تا با تأکید بر منابع دینی، مدل مفهومی انسان کریم را استخراج کند و به این سؤال پاسخ دهد که مدل مفهومی انسان کریم چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی و مبتنی بر روش فهم روان‌شناختی متون دینی است. در تحلیل محتوای کیفی، برای بررسی کلمات، مفاهیم، واژه‌ها، مضامین، عبارات و جملات خاص از یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود (شی‌یه^۱ و شانون^۲، ۲۰۰۵). فهم روان‌شناختی متون دینی نیز درگرو فهم مفاهیم و گزاره‌های دینی و تحلیل روابط بین مفاهیم و نسبت‌های میان آن‌ها است (پسندیده، ۱۳۹۶). پژوهش پیش رو به مفهوم‌شناسی ویژگی‌های انسان کریم در منابع اسلامی و تحلیل روان‌شناختی آن‌ها بر مبنای مفهوم «کرامت» می‌پردازد و نسبت این مفهوم را با مفاهیم اساسی دیگر که در یک حوزه معنایی قرار دارند مانند «شرف»، «عزت»، «تزه»، «حیاء»،

1. Hsieh, H. F

2. Shannon, S. E

«صبر»، «جود»، «قناعت»، «احسان»، «برّ»، «صله رحم»، «ترادف الانعام»، «بذل الرفد»، «کثرة الافضال»، «اصطناع المعروف»، «حسن الصنیعه»، «ایثار»، «حسن خلق»، «رفق»، «شکر»، «وفا»، «عفو»، «صفح»، «غفران»، «کظم غیظ»، «تغافل» و «انخداع»، مشخص می‌سازد. مجموع این بررسی‌ها مدل مفهومی انسان کریم را بر اساس منابع اسلامی شناسایی می‌کند.

یافته‌ها

مفهوم‌شناسی کرامت و کریم

کرامت به معنای شرافت، برتری و منزّه بودن از هر نوع پستی و فرومایگی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۶۸). ابن فارس در معجم مقاییس اللغه آورده است که کرم بر شرافت و برتری در چیزی یا شخصی و یا برتری در خصوصیات اخلاقی اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۷۱). فیومی در مصباح المنیر، کرامت را به گران‌مایگی و عزت معنا می‌کند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۳۱) ابن اثیر نیز در النهایه آورده است که کریم به کسی گفته می‌شود که جامع انواع خیر و شرف و فضائل است و از آلودگی به اموری که مخالفت پروردگارش باشد خود را منزّه می‌دارد (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۶۶). راغب اصفهانی بر این باور است که نام کرم جز در محاسن بزرگ به کار نمی‌رود و هر چیزی که شریف و ارجمند باشد با کرم توصیف می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۰۷). همچنین برخی لغت‌شناسان کرامت را به معنای عزت و تفوق درونی در چیزی معنا کرده‌اند و کریم را کسی می‌دانند که ضعف در او راه ندارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۶۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۱۴۲۶).

در جمع‌بندی دیدگاه لغت‌شناسان می‌توان گفت که «کرامت»، بزرگی و وزیدن و پاک‌دامنی از فرومایگی است و «کریم» که در معنای فارسی آن معادلی بسیط ندارد، معادل ترکیبی آن ذات ارجمند، باشرافت و منزّه از هر فرومایگی است و انسان کریم از توانمندی‌ها، شرافت‌ها و فضیلت‌هایی برخوردار است که مانع از اموری می‌شود که از قدر و ارزش او بکاهد.

ویژگی‌های انسان کریم بر اساس منابع دینی

شناسایی انسان کریم در گرو دستیابی به ویژگی‌های منشی او است. این ویژگی‌ها با تعابیر مختلفی در لسان روایات بیان شده است که با بررسی آن‌ها ویژگی‌های روان‌شناختی انسان کریم مشخص خواهد شد. ویژگی‌های انسان کریم در منابع دینی در دو محور قابل بررسی است: الف) ویژگی‌های زیربنای انسان کریم و ب) ساحت‌های رفتاری انسان کریم.

الف) ویژگی‌های زیربنایی در انسان کریم

از میان ویژگی‌های منشی مختلفی که مرتبط با موضوع کرامت است دو فضیلت حیا و صبر در ساحت‌های مختلف وجودی انسان کریم که در ادامه از آن گفتگو خواهد شد، نقشی زیربنایی و ساختاری دارند و سایر ویژگی‌ها که در قالب ویژگی‌های مربوط به ساحت‌های رفتاری انسان کریم مطرح خواهد شد، بدون وجود آن‌ها محقق نمی‌شود.

۱) حیا: یکی از زیرساخت‌ها و تنظیم‌کننده‌های ساختار وجودی انسان کریم، حیا است. حیای نیرومند، به کرامتی قدرتمند می‌انجامد^۱ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱) و حیا، همه کرامت دانسته شده است^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۵). حیا به معنای ترک کردن امور زشت و ناپسند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۰). حیا، سرآمد مکارم اخلاق است و سبب انجام زیبایی‌ها^۳ و ترک کردن بدی‌ها است^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶؛ حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۴ و لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸). حیا با خصوصیات دیگر انسان کریم نیز رابطه دارد. حیا، انجام فضیلت‌ها و رفتارهای ارزشمند را موجب می‌شود و باعث می‌شود اگر دیگران یاری بخواهند، اجابت کند و اگر تقاضای عفو کنند، درگذرد. همچنین حیا باعث می‌شود که انسان قدردان خوبی‌های دیگران باشد و نسبت به عهد و پیمان‌هایش وفادار باشد.

۲) صبر: یکی دیگر از زیرساخت‌ها و تنظیم‌کننده‌های کرامت، صبر است^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰۷) انسان کریم، فردی شکیباست و سرمایه کرامت در سایه ویژگی صبر متبلور می‌شود. موضوع صبر، اموری است که نفس انسان را بی‌تاب می‌کند. صبر به معنای تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و پرهیز از جزع و بی‌تابی است (عبدی، ۱۳۹۴، ص ۹۶ و ۸۹). انسانی که شکیباست در مقابل سختی‌ها و ناگواری‌ها واکنش مناسب ندارد و اقداماتی انجام می‌دهد که از قدر و ارزشش می‌کاهد. چنین فردی نسبت به انجام امور ارزشمندی که نیاز به پایداری و استقامت دارد ناتوان است و به خاطر عدم خودداری درونی مرتکب اعمالی می‌شود که او را خوار می‌سازد. جنبه‌های

۱. إِنَّ الْإِنْسَانَ مَطْبُوعٌ عَلَىٰ كَرَمٍ وَ لَوْمْ فَإِنَّ قَوِيَّ الْخِيَاءِ عِنْدَهُ قَوِيَّ الْكِرَمِ وَإِنْ ضَعُفَ الْخِيَاءُ قَوِيَّ الْلُؤْمِ

۲. الْخِيَاءُ تَمَامُ الْكِرَمِ

۳. الْخِيَاءُ سَبَبٌ إِلَىٰ كُلِّ حَسَنٍ

۴. الْخِيَاءُ يَضُدُّ عَنِ الْقَبِيحِ

۵. فَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِي الصَّبْرِ وَالصَّبْرُ مِنَ الْكِرَمِ

مختلف صبر که در روایات به آن اشاره شده صبر در مصیبت، صبر در طاعت و صبر در معصیت است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲ ص ۹۱). این تقسیم‌بندی به دو جنبه سلبی و اثباتی صبر می‌پردازد و به فراگیری صبر در امور مختلف زندگی انسان اشاره دارد که بدون آن دین‌داری و ایمان انسان محقق نخواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲ ص ۸۸). ویژگی صبر در جنبه‌های مختلف انسان کریم بروز دارد. انسان کریم در مواجهه با جهالت‌ها و ظلم‌ها، هنگام کمبود امکانات، در پایداری بر ارزش‌ها و واکنش فضیلت‌مندانه در تعاملات اجتماعی، شکیبایی به خرج می‌دهد.

با توجه به شرافت و بزرگی انسان کریم و دوری وی از امور بی‌ارزش، هنگام سختی‌ها جزع و بی‌تابی نمی‌کند و اعمالی را که از قدر و ارزش او بکاهد، انجام نمی‌دهد. او برای حفظ ارزش‌ها و کرامت‌های خویش در امور صحیح مقاومت می‌کند و در کسب فضیلت‌ها از خود پایداری نشان می‌دهد. انسان کریم برای حفظ ارزش‌های خویش دست به اقداماتی نمی‌زند که او را خوار و ذلیل کند و به این ترتیب به عزت و بزرگی بیشتری می‌رسد.

ب) ویژگی‌های ساحت‌های رفتاری انسان کریم

انسان کریم در تعامل با دنیای پیرامون خود، سه ساحت؛ مواجهه با امکانات، مواجهه با نیازهای دیگران و روابط بین فردی را تجربه می‌کند. رفتار انسان کریم در همه این ساحت‌ها کریمانه است و ویژگی‌های منشی مختلفی در هر ساحت تجلی می‌کند. در این بخش به بررسی رفتارهای کریمانه انسان کریم در ساحت‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های هر ساحت می‌پردازیم.

۱) ساحت مواجهه با امکانات

قناعت: انسان کریم در ساحت مواجهه با امکانات از ویژگی قناعت برخوردار است. قناعت، اکتفا کردن به کمترین امکانات مورد احتیاج است^۲ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸۵) و انسان قانع، سطح توقع خود را با امکانات موجود تطبیق می‌دهد. در واقع، قناعت، توانایی انطباق با شرایط است. از سوی دیگر، انسان کریم انسانی قانع است و به امکاناتی که در اختیار دارد اکتفا می‌کند و می‌تواند طریق قناعت را در زندگی بییامد^۳ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۰۷) چراکه انسان

۱. الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ

۲. الْقَنَاعَةُ الاجْتِزَاءُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْأَعْرَاضِ الْمُحْتَاجِ إِلَيْهَا

۳. الْقَنَاعَةُ تَجْتَمِعُ إِلَى صِبَاةِ النَّفْسِ وَعَزِّ الْقَدْرِ وَ طَرِحِ مَوْنِ الْإِسْتِكْنَارِ وَ التَّعَبُّدِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَا يَشْلُكُ طَرِيقَ الْقَنَاعَةِ إِلَّا رَجُلَانِ إِمَّا مُتَعَلِّلٌ يَرِيدُ أَلْجُرَ

الْآخِرَةَ أَوْ كَرِيمٌ مُتَنَزِّهٌ عَنِ لِيَامِ النَّاسِ

کریم پیوسته خود را از پستی‌های افزون‌طلبی حفظ می‌کند و از قدر و اندازه وجودی خویش صیانت می‌کند. انسان کریم نسبت به فراتر از امکانات موجودش حریص نیست و برای دست یافتن به آن‌ها خود را کوچک نمی‌کند. بزرگ‌منشی‌های انسان کریم باعث می‌شود تا خود را با شرایط موجود تطبیق دهد و ارزش‌های وجودی و فضیلت‌های درونی خویش را حفظ کند. سطح توقع انسان کریم با امکانات موجود سازگار است و از کمترین امکانات، حداکثر استفاده را می‌برد. از سویی، حیات طیبه، معادل با قناعت دانسته شده است. وقتی از امام علی علیه السلام درباره حیات طیبه سؤال شد آن حضرت حیات طیبه را قناعت دانست^۱ (سید رضی، ۱۳۷۴). امام سجاد علیه السلام نیز در دعای ابوحمزه ثمالی کرامت سرشار را از ویژگی‌های حیات طیبه برشمردند^۲ (طوسی، ۱۴۱۸، ص ۴۰۵)

۲) ساحت مواجهه با نیازها

انسان کریم در ساحت مواجهه با نیازهای دیگران، از سه ویژگی؛ جود، احسان و ایثار بهره‌مند است که در ادامه به رابطه این ویژگی‌ها با کرامت پرداخته می‌شود.

الف) جود: جود یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و عنصر جدایی‌ناپذیر انسان‌های کریم است^۳ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۷). جود به معنای آن است که انسان عطای خویش را به راحتی و بی‌حساب به دیگران برساند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۹۳). انسان کریم نسبت به آنچه در اختیار دارد بخشنده است و رذیلت بخل در وجود او نیست چراکه ضداً رزق و نزد همه انسان‌ها مذموم است. کسی که بخل درونی خود را کنترل می‌کند رستگار خواهد شد^۴ (حشر: ۹).

از طرف دیگر، یکی از سخت‌ترین ابتلائات خداوند فقر است و در روایات اسلامی فقر، «مرگ بزرگ‌تر» دانسته شده است^۵ (سید رضی، ۱۳۷۴). فقر می‌تواند برای انسان آسیب‌های شناختی، هیجانی و رفتاری را به دنبال داشته باشد، دین‌داری انسان را تحت تأثیر قرار دهد و او را به انکار باورهایش دچار کند. انسان کریم نمی‌تواند شکستگی انسان‌ها را به خاطر کمبودهای مالی ببیند. او سعی می‌کند با بخشش‌ها و نیکی‌های خویش سطح مالی و وجودی انسان‌ها را افزایش دهد. او

۱. سَبَّلَ اللَّهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ

۲. أَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشَ

۳. الْكَرِيمُ مِنَ جَادٍ بِالْمَوْجُودِ

۴. مَنْ يَوْقُ شَحَّ نَفْسِهِ فَأَوْلِيكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ

۵. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: الْفَقْرُ مَوْتُ الْأَكْبَرِ

می‌خواهد دیگران هم به کرامت‌ها و ارزش‌هایی که او در وجود خویش دارد، دست پیدا کنند. او بزرگی انسان‌ها را می‌خواهد و با وجود خویش می‌خواهد این هدف را محقق کند. از این رو، کسی را که برای گرفتن عطائی به او مراجعه کرده است دست‌خالی بر نمی‌گرداند و خود را مسئول می‌داند و با عطای مال، سرمایه تازه‌ای به او می‌بخشد. در نگاه کریمانانه اهل بیت علیهم السلام مراجعه سائل نه تنها ناخوشایند نیست، بلکه وجود او غنیمت شمرده شده و نعمت به حساب می‌آید. انسان کریم بدون چشم‌داشت دیگران را بهره‌مند می‌کند و خود را مدیون آن‌ها می‌داند^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۳) چراکه هر کس عطای انسانی را قبول می‌کند او را در رسیدن به کرامت‌های بیشتر کمک کرده است^۲ (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۸۳). به همین خاطر سزاوار نیست که انسان درخواست‌های خود را جز نزد انسان کریم مطرح کند چرا که او با شرافت و بزرگواری، خود را نسبت به آبروی انسان‌ها و ارزش‌های وجودی آن‌ها مسئول می‌داند و در پی حفظ آن است.

کسی که کریم است و کرامت در وجود او به اثبات رسیده است در مقابل خوبی‌هایی که در قبال دیگران انجام می‌دهد توقع جبران یا قدردانی ندارد. او خود را مانند بدهکاری تصور می‌کند که نسبت به دیگران مسئولیت دارد و باید به آن عمل کند. بهترین نوع کرامت زمانی واقع می‌شود که انسان نسبت به جود و بخششی که برای دیگران انجام داده است توقع جبران نداشته و هیچ ذهنیتی در این خصوص نداشته باشد^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۶).

ب) احسان: از دیگر خصوصیات انسان کریم احسان او به دیگران است و این عمل را با رضایت خاطر انجام می‌دهد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۸). احسان معنای گسترده‌ای دارد که حتی شامل جود نیز می‌شود و به هر نوع کار نیک اعم از مادی و معنوی احسان گفته می‌شود^۵ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) نکته‌ای که در واژه احسان نهفته است و آن را از واژه‌های هم‌ردیف خود متمایز می‌کند، انجام دادن کارهای خیر به شکلی زیبا است که با توجه به ماده حُسن روشن می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۶). انسان کریم علاوه بر اصل عطا و بخشش، به شکل عمل نیز

۱. الْكَرِيمُ رِيٌّ مَكَارِمَ أَعْمَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ يَفْضِيهِ

۲. قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَبِلَ عَطَاكَ فَقَدْ أَعَانَكَ عَلَى الْكَرَمِ

۳. خَيْرُ الْكَرَمِ جُودٌ بِأَطْلَبِ مُكَافَاةٍ

۴. الْكَرِيمُ مَنْ بَدَّلَ إِحْسَانَهُ

۵. الْإِحْسَانُ عَلَى وَجْهِينَ: أَحَدُهُمَا: الْإِنْعَامُ عَلَى الْغَيْرِ، يُقَالُ: أَحْسَنَ إِلَى فُلَانٍ؛ وَالثَّانِي: إِحْسَانٌ فِي فِعْلِهِ وَذَلِكَ إِذَا عَلِمَ عُلَمَاءُ حَسَنًا أَوْ عَمِلَ عَمَلًا

توجه می‌کند و با توجه به شرافت و بلندمرتبتگی وجودی‌اش، عطا‌های خود را طوری به دیگران نمی‌رساند که موجب حقارت و خواری آن‌ها شود. او نمی‌خواهد صرفاً با بخششی که نسبت به درخواست‌کننده و مستحق دارد، خود را خلاص کند و از سر رفع تکلیف نمی‌بخشد. او به جنبه‌های مختلفی که عملی می‌تواند داشته باشد و آثاری که نوع بخشش در وجود فرد نیازمند می‌گذارد آگاه است. به همین خاطر به شکل عمل توجه ویژه‌ای می‌کند و بخشش خود را به شکلی زیبا انجام می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۶). احسان‌های پی‌درپی، رشته امور کریم را سامان می‌دهد و کرامت را در وجود او نظم می‌دهد و از پراکندگی و تشتت خارج می‌کند^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۹۹).

انسان کریم، آغازکننده احسان نسبت به دیگران است^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۸) و منتظر درخواست از طرف انسان‌های نیازمند نمی‌شود. او وجود انسان‌ها را با هر سطحی از امکانات و جایگاه اجتماعی، ارزشمند می‌داند و نمی‌خواهد هیچ چیزی به ارزش‌های وجودی و کرامت‌های ذاتی فرد مقابل آسیب بزند. دلیل این‌که اولیاء دین قبل از درخواست می‌بخشیدند و اجازه سؤال به نیازمند نمی‌دادند همین نکته بود. وقتی امام حسن علیه السلام با مردی شامی مواجه شد که به او بدگویی می‌کرد، اسائه او را با احسان پاسخ داد و زیبایی کرامت خود را به نمایش گذارد و فرمود: ای مرد، فکر می‌کنم در اینجا غریب هستی، اگر از ما چیزی بخواهی به تو عطا خواهیم کرد و اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌کنیم، اگر برهنه‌ای تو را می‌پوشانیم، اگر نیازی داری بی‌نیازت می‌کنیم، اگر از جایی رانده شده‌ای پناهت می‌دهیم و اگر حاجتی داری برآورده می‌کنیم. اینک بیا و میهمان ما باش، منزل ما بزرگ است و برای آسایش تو فراهم است. تا وقتی که اینجا هستی میهمان مایی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹). از آن جا که نیکوترین نوع کرامت آن است که نسبت به اسائه‌کننده احسان شود^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۲۲) امام علیه السلام با برخورد کریمانه خویش شرافت و بزرگواری خود را نشان دادند و آن فرد را متحول ساختند.

ویژگی‌های دیگری نیز در روایات اسلامی برای انسان کریم در حوزه عطا و بخشش و مشخصاً از مصادیق احسان بیان شده است که مفاهیمی مانند «بِرّ»^۴ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۵۰) به

۱. نظام‌الکریم موالاة‌الإحسان و مواسات‌الإخوان

۲. الْكَرِيمُ مَنْ بَدَأَ بِالْإِحْسَانِ

۳. مَنْ أَحْسَنَ الْكَرَمِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمَسِيءِ

۴. يَشْتَدُّ عَلَى الْكَرِيمِ بَخْشٍ يَشْرَهُ وَ يَدُلُّ بِهِ

معنای احسانی بسیار گسترده (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۱۳۸)؛ «صله رحم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۰۹) به معنای احسان به نزدیکان و مهربانی با آن‌ها؛ «ترادف الانعام»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۸) به معنای رساندن پیاپی نعمت‌ها به دیگران؛ «بذل الرفد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۷۵) به معنای یاری کردن دیگران با عطا همراه با رضایت خاطر؛ «کثرة الافضال»^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶) به معنای زیادی در بخشش و احسان؛ «اصطناع المعروف»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۵۷) و «حسن الصنیعه»^۴ (همان، ص ۴۵۸) به معنای انجام کارهای خیر به شکلی نیکو (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۳) را شامل می‌شود. صورت‌های مختلف عطا و بخشش انسان کریم در قبال دیگران، نشان می‌دهد که عطا و بخشش نقشی تعیین‌کننده در ساختار وجودی انسان کریم دارد. احسان، بر، صله‌رحم، ترادف الانعام، بذل الرفد، کثرة الافضال، اصطناع المعروف و حسن الصنیعه ویژگی‌هایی‌اند که از کرامت انسان ناشی شده و کرامت انسانی را موجب می‌شوند.

ج) ایثار: از دیگر ویژگی‌های انسان کریم ایثار است که از بالاترین کرامت‌ها^۵ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱) و از بالاترین مکارم اخلاقی دانسته شده است^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۴). با ایثار، جوهره واقعی انسان کریم شناخته شده، ارزش‌های وجودی‌اش روشن گشته و حقیقت کرامت انسان در ایثارش نمایان می‌شود^۷ (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۹۷). در ایثار که به معنای مقدم داشتن است^۸ (ابن فارس، ۱۴۰۴)، ایثارکننده در عین استحقاق، از حق خود صرف‌نظر می‌کند و دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. انسان در زندگی دنیایی خویش محبوب‌هایی دارد و برای به دست آوردن آن‌ها هزینه‌هایی را متحمل می‌شود. انسان از بعضی از خوشی‌ها و راحتی‌هایش می‌گذرد و اموری را فدا می‌کند تا به آن محبوب‌ها دست پیدا کند و وقتی هم به محبوب خویش دست پیدا می‌کند سرمست می‌شود و نمی‌خواهد آن را از دست بدهد؛ اما برخی انسان‌ها از فضیلتی به نام

۱. سَنَةُ الْكِرَامِ تَرَادُفُ الْأَنْعَامِ

۲. مِنَ الْكِرَامِ إِصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ

۳. مِنَ الْكِرَامِ إِصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَبَذْلُ الرَّفْدِ

۴. بِكَثْرَةِ الْأَفْضَالِ يَعْرِفُ الْكَرِيمُ

۵. أَحْسَنُ الْكِرَامِ الْإِيْثَارُ

۶. الْإِيْثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ

۷. إِيْثَارِكِ عَلَيَّ تَفْسِيكُ تَسْتَحِقُّ اسْمَ الْكَرِيمِ

۸. الْإِيْثَارُ التَّفْضِيلُ وَالتَّقْدِيمُ

کرامت برخوردارند که با وجود آن گذشتن از محبوب‌ها امکان‌پذیر می‌شود. انسان به دلیل حب ذات، دائما به دنبال حفظ و بقاء خود از طریق تأمین نیازهای زیستی و طبیعی است و به دلیل غریزه جلب نفع و دفع ضرر، به دنبال جلب منافع خویش و دورکردن آسیب‌ها از خود است؛ اما زمانی که در درون انسان حقیقتی به نام کرامت وجود داشته باشد به مرتبه‌ای دست پیدا می‌کند که با وجود استحقاق و نیازمندی، از نیازها و حقوق خویش صرف‌نظر کند. در چنین شرایطی، انسان طبیعت‌ها و منتهای خویش را کنار می‌گذارد و به فضیلت‌ها و شرافت‌ها می‌اندیشد. اوج شرافت و فضیلت‌مندی انسان زمانی است که از وجود خویش صرف‌نظر کند و برای دستیابی به ارزش‌های متعالی، دیگران را بر خود ترجیح دهد.

۳) ساحت روابط بین فردی

ساحت روابط بین فردی در سه سطح؛ مواجهه با رفتار عاقلانه، مواجهه با رفتار ظالمانه و مواجهه با رفتار جاهلانه، قابل ترسیم است.

یک. مواجهه با رفتار عاقلانه

واکنش انسان کریم در مواجهه با رفتارهای خردمندانه و عاقلانه دیگران، برخورداری از خلق نیکو، شکرگزاری و وفاداری خواهد بود که این سه واکنش از سه مفهوم حسن خلق، شکر و وفا به دست آمده است.

۱) حسن خلق: از ویژگی‌های انسان کریم در مواجهه با دیگران، حسن خلق است^۱ (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۹). حسن خلق یکی از مکارم اخلاق و عامل سعادت انسان دانسته شده (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۴۶) و در متون دینی به معنای اخلاق خوب در تعامل بین افراد است (عبدی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰). حسن خلق، ارزش و فضیلت محسوب می‌شود و به خاطر تأثیر مهمی که در روابط اجتماعی انسان‌ها دارد دارای جایگاه ویژه‌ای است. به خاطر پیچیدگی‌های روابط اجتماعی، نوع تعامل با افراد مختلف که دارای روحیات متفاوت و گاهی متضادند، دارای دقت و حساسیت فراوانی است. برای برخورداری از روابطی سازنده، انسان‌ها نیاز به سرمایه‌های وجودی دارند تا در این رابطه‌ها از آن بهره‌گیرند. این سرمایه وجودی، کرامت انسانی است و کسانی که از این سرمایه مهم بی‌بهره‌اند در روابط خود با دیگران دچار مشکل می‌شوند. حسن خلق نشانه وجود کرامت در

۱. ثَلَاثَةٌ تُدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ كَثَمُ الْعَفِيفِ وَ عَفْسُ الظَّالِمِ

انسان است و با حسن خلق می‌توان بر وجود کرامت در انسان استدلال کرد^۱ (حرانی، ص ۳۱۹۱۴۰۴) حسن خلق به‌عنوان ارزش و فضیلت تنها می‌تواند در انسان‌هایی وجود داشته باشد که وجودی ارزشمند و بافضیلت داشته باشند. انسان کریم انسانی خوش‌رو، خوش‌گو، مهربان^۲ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۲) و نرم‌خو است^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷). در درون چنین انسانی هیچ‌گونه خشونت و تندی وجود ندارد. در واقع، عصبانیت و خشونت در برخورد با دیگران، منقصد به حساب می‌آید و در نگاه انسان‌ها، ناپسند شمرده می‌شود و انسان کریم از آن منزّه است. «رفق» و سازگاری نیز از خصوصیات مهمی است که از کرامت سرچشمه می‌گیرد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۳) و از مصادیق حسن خلق به حساب می‌آید. سازگاری انسان باعث زیبایی گفتار و رفتار و سبب مبارکی و خیربودن فرد می‌شود^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۹). سازگاری با انسان‌ها و نرمی داشتن در برخورد با آن‌ها فضیلتی است که انسان کریم از آن برخوردار است.

۲) شکر: از ویژگی‌های انسان کریم در مواجهه با دیگران، شکرگزاری است^۶ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۸). شکر به معنای شناخت احسان و نشر آن و ستایش احسان کننده است. شکرگزاری ارزش و فضیلت شمرده می‌شود و ترک آن نقیصه به حساب می‌آید^۷ (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۳). انسان کریم در مقابل خوبی‌های دیگران بی‌توجه نیست و شکرگزاری می‌کند. انسان کریم توانمند در درک و شناخت نعمت‌هاست و واکنش مناسبی را نسبت به احسان کننده انجام می‌دهد و نسبت به کوچک‌ترین خوبی‌ها شکرگزار است. انسان کریم با شکرگزاری از دیگران نه تنها ارزش‌ها و فضیلت‌های بیشتری را به دست می‌آورد، بلکه انسان‌های دیگر را از بخشش‌ها و خوبی‌های خود بهره‌مند می‌کند. او با شکرگزاری از کسانی که در حق او لطفی انجام داده‌اند برای آن‌ها و عملشان ارزش قائل شده است و آن‌ها را این چنین گرامی می‌دارد.

۱. ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ كَثَمُ الْغَيْظِ وَ غَضُّ الْقَرْفِ

۲. سَبِيلُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَدَّ حُسْنُ الْخُلُقِ قَالَ ثَلَاثٌ جَانِبُكَ وَ تَطْيِبُ كَلَامِكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ

۳. مِنْ كَرَمِ أَصْلِهِ لِأَنَّ قَلْبَهُ وَمِنْ خَشْنِ عُنْصُرِهِ غَلْظُ كَبَدِهِ

۴. الرَّفْقُ بِالْأَتْبَاعِ مِنْ كَرَمِ الطَّبَاعِ

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا تُرْعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا سَانَهُ

۶. مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صَنَعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَأَنَّهُ وَ مَنْ أضعَفَهُ كَانَ سُكُورًا وَ مَنْ شَكَرَكَ كَانَ كَرِيمًا

۷. قَالَ حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَّا تَشْكُرُ التَّعَمَّةَ

۳) وفا: از ویژگی‌های دیگر انسان کریم، وفاداری است. پایبند بودن نسبت به عهدها و پیمان‌ها از شیوه‌های پایدار انسان‌های کریم در مواجهه با دیگران است^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۸) کسی که به عهد خود وفا می‌کند در حقیقت کرم خود را آشکار کرده است^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۰۷). وفا به معنای ادا کردن حقوق و انجام مسئولیت‌ها و عمل به پیمان‌ها، به صورت تمام و کمال است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۲۹). انسان وفادار هیچ حقی را ترک نمی‌کند و در انجام مسئولیتش کوتاهی نمی‌کند اما انسان فرومایه نمی‌تواند بر عهد خود استوار بماند^۳ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۰) و به خاطر حقارت‌های وجودی‌اش برای عهدها و پیمان‌ها ارزشی قائل نیست و به راحتی آن‌ها را زیر پا می‌گذارد و حقوق انسان‌ها را محترم نمی‌شمرد و آن را تباه می‌سازد.

دو. مواجهه با رفتار ظالمانه

واکنش انسان کریم در مواجهه با رفتارهای ظالمانه دیگران، بخشایش، نادیده گرفتن و چشم‌پوشی است که این سه واکنش از سه مفهوم عفو، صفا و غفران به دست آمده است.

۱) عفو: از جمله واکنش‌های انسان کریم در قبال رفتار ظالمانه، عفو است^۴ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۳) عفو به معنای رها کردن کسی است که مستحق مجازات است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۸) در مقابل بدی‌ها و ظلم افراد می‌توان واکنش‌های مختلفی داشت. شایع‌ترین نوع واکنش، مقابله به مثل است که رفتاری هم‌سطح رفتار طرف مقابل است و هیچ‌گونه فضیلتی به حساب نمی‌آید اما واکنش برتر و فضیلت‌مندانه در مقابل ظلم‌ها و خطاهای دیگران، ترک عقوبت و مجازات اوست. انسان کریم هنگام مواجهه با موقعیت‌هایی که در حق او ظلم شده و یا نسبت به او بدی شده است با عفو و گذشت برخورد می‌کند و از عقوبت طرف مقابل می‌گذرد و دستیابی به قدرت، تغییری در وضعیت او ایجاد نمی‌کند چراکه از برتری وجودی و بزرگی درونی برخوردار است و شرایط بیرونی او را متأثر نمی‌کند اما انسان فرومایه وقتی به قدرتی دست پیدا می‌کند در پی انتقام‌گیری و تسویه حساب است.

۲) صفا: از دیگر ویژگی‌های انسان کریم صفا است^۵ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۵) صفا که از مکارم اخلاق شمرده می‌شود به معنای روی گرداندن، نادیده گرفتن گناه و سرزنش نکردن است

۱. سَتَّةُ الْكِرَامِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ

۲. مَنْ وَفَى بِعَهْدِهِ أَعْرَبَ عَنِ كَرِيمٍ

۳. كَاؤُ الْوَفَاءِ لَا تَخْلُو مِنْ كَرِيمٍ وَلَا يَسْتَقْرِ بِهَا لَيْمٌ

۴. الْكَرِيمُ يَغْفُو مَعَ الْقُدْرَةِ

۵. الْكَرِيمُ إِذَا قَدَرَ صَفَحَ

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۸۶). صفح مرتبه‌ای بالاتر از عفو و بخشایش است. انسان کریم با فردی که نسبت به او مرتکب بدی شده است به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی آن شخص گناهی انجام نداده است. کرامت و بزرگواری انسان کریم باعث می‌شود که شخص گناهکار را حتی سرزنش نکند. این برخورد از جانب انسان کریم باعث می‌شود که شخص گناهکار خوار نشود و کرامت ذاتی او محفوظ بماند. این نوع رفتار کریمانه زمینه‌های لازم برای اصلاح شخص بدکار را نیز فراهم می‌کند و به تدریج او را از زشتی‌هایش جدا می‌سازد.

۳ غفران: خوبی‌های انسان کریم در مقابل بدی‌های دیگران می‌تواند از عفو و صفح فراتر رود و واکنش او در مقابل آن‌ها به صورت غفران متجلی شود^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۱۲). غفران به معنای پوشاندن و محو آثار بد است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۱۰۶). انسان کریم با تشخیص صحیح نسبت به موقعیت فرد گناهکار، در مقابل او واکنشی کریمانه دارد و بدی‌های او را پوشش داده و آثار آن را از بین می‌برد. شرافت و بزرگواری انسان کریم او را به سمت پوشاندن بدی‌های دیگران سوق می‌دهد. انسان کریم در موقعیت‌هایی که مورد ظلم واقع شده است، با واکنش‌های سلسله مراتبی؛ عفو، صفح و غفران واکنشی فضیلت‌مندانه و ارزش‌مدار از خود نشان می‌دهد و منش کریمانه و شرافتمندانه خویش را متجلی می‌سازد.

سه. مواجهه با رفتار جاهلانه

واکنش انسان کریم در مواجهه با رفتارهای جاهلانه دیگران، فروخوردن خشم، غفلت‌ورزی عامدانه و پذیرش است که این سه واکنش از سه مفهوم کظم غیظ، تغافل و انخداغ به دست آمده است.

۱) کظم غیظ: انسان کریم در مواجهه با رفتارهای جاهلانه کظم غیظ نشان می‌دهد^۲ (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۹). کظم غیظ به معنای فروخوردن خشم و جلوگیری از اظهار آن است^۳ (ابن فارس، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۱۸۴). فرد کریم رفتار نابخردانه فرد جاهل را معیاری برای ارزش‌گذاری خود قرار نمی‌دهد و با حفظ کنترل خویش با آن‌ها حلیمانه برخورد می‌کند. معیار ارزش‌گذاری او، نوع مواجهه دیگران با خودش نیست بلکه ارزش‌گذاری او بر اساس حفظ فضیلت‌مندی و شرافت‌های وجودی خویش است.

۲) تغافل: انسان کریم خود را از امور کم‌ارزش منزه می‌داند و کرامت خویش را حفظ می‌کند. به همین خاطر نسبت به جهالت ورزی‌ها با تغافل برخورد می‌کند و برتری‌های درونی و شرافت‌های

۱. مُعَا جَلَةٌ (معالجه) الدُّنُوبُ بِالْغُفْرَانِ مِنْ أَخْلَاقِ الْكِرَامِ

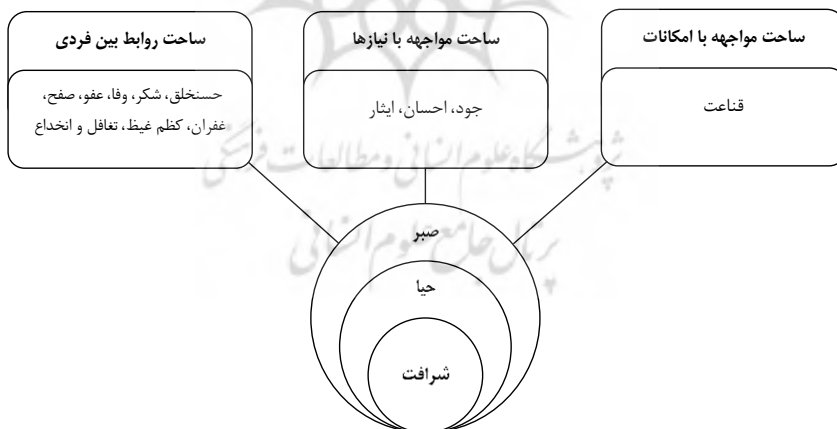
۲. ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ عَضُّ الظَّرْفِ

۳. الكَظْمُ اجْتِنَاعُ الْغَيْظِ وَ الْإِمْسَاكُ عَنْ إِبْدَانِهِ

وجودی خویش را نشان می‌دهد^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۷). در تغافل با اینکه شخص نسبت به مسئله مورد نظر اطلاع کافی دارد ولی به خاطر رعایت مصالحی به گونه‌ای رفتار می‌کند که طرف مقابل فکر کند که متوجه نبوده است (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۹۸).

۳) انخداع: انسان کریم در مقابل افراد جاهلی که گمان می‌کنند می‌توانند از خلق انسان کریم سوءاستفاده کنند، خود را به انخداع می‌زند^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۷). انخداع به معنای پذیرش خدعه است به طوری که دیگران گمان می‌کنند فرد کریم را فریب داده‌اند اما انسان کریم با بزرگواری خویش زشتی اعمال آن‌ها را به روی آن‌ها نمی‌آورد و در ظاهر با آن‌ها همراهی می‌کند. این خصوصیت به این خاطر است که ارزش‌های وجودی خویش را حفظ کند و خود را از تعرض جاهلان منزه دارد و آن‌ها را نیز به ذلت نمی‌کشانند. انسان کریم با کسانی را که از راه فریب وارد می‌شوند با بزرگواری برخورد می‌کند و آن‌ها را به خاطر جهالتشان محروم نمی‌کند؛ اما انسانی که از کرامت برخوردار نیست در پی سوءاستفاده و فریب دیگران است.

اکنون با توجه به هسته مفهومی کرامت که شرافت است و دو ویژگی زیربنایی انسان کریم یعنی حیا و صبر و سایر ویژگی‌ها در سه ساحت رفتاری انسان کریم، مدل مفهوم انسان کریم بر اساس منابع دینی قابل ترسیم است که در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی انسان کریم بر اساس منابع دینی

۱. الْكَرِيمُ يَتَغَافَلُ وَيُنْخَدِعُ

۲. الْكَرِيمُ يَتَغَافَلُ وَيُنْخَدِعُ

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تدوین مدل مفهومی انسان کریم بر اساس منابع دینی انجام پذیرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مدل مفهومی انسان کریم دو ویژگی حیا و صبر ویژگی‌های زیربنایی برای رفتار کریمانه به شمار می‌آیند و این دو ویژگی مبنای شکل‌گیری رفتار فرد کریم در سه ساحت؛ مواجهه با امکانات، مواجهه با نیازها و روابط بین فردی است. بر اساس مدل پیشنهادی مشخص شد که در هر ساحت ویژگی‌های منشی مختلفی همچون قناعت برای ساحت مواجهه با امکانات؛ جود، احسان و ایثار برای ساحت مواجهه با نیازها؛ و حسن خلق، شکر، وفا، عفو، صفح، غفران، کظم غیظ، تغافل و انخداع برای ساحت روابط بین فردی وجود دارد که رفتار کریمانه را در همه این ساحت‌ها موجب می‌شود.

انسانی کریم، وجود ارزشمندی دارد و از شرافت و بزرگ‌منشی برخوردار است. انسان کریم دارای ویژگی‌ها و توانمندی‌های متعددی است. او دارای صفات اخلاقی و خصوصیات رفتاری است که به او برتری می‌دهد. انسان کریم از دو ویژگی درونی به نام حیا و صبر برخوردار است که بر تمام جنبه‌های مختلف زندگی او تأثیرگذار است و رفتارهای او را تنظیم می‌کند. دو فضیلت حیا و صبر در ساحت‌های مختلف وجودی انسان کریم نقش دارند و فضیلت‌های دیگر بدون وجود آن‌ها محقق نمی‌شود و هیچ‌کدام از ساحت‌های مختلف وجودی انسان کریم نیست که از حیا و صبر خالی باشد (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰۷ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۵).

حیا، با توجه به آموزه‌های روایی، سبب انجام زیبایی‌ها و ترک بدی‌هاست که در شکل‌گیری فضائل دیگر نقش مهمی دارد و در ساحت‌های مختلف انسان کریم تأثیرگذار است. ویژگی حیا در هنگام مواجهه با نیازمندی‌ها مانع بخل‌ورزی می‌شود و زمینه را برای بخشش‌ها و نیکوکاری فراهم می‌کند. حیا در تعاملات اجتماعی انسان را برای واکنش برتر آماده می‌کند. در مواجهه با افراد جاهل و ظالم نیز وجود ویژگی حیا، باعث می‌شود که انسان مقابله‌به‌مثل نکند و رفتارهای نادرست نداشته باشد و در نهایت انسان باحیا، حرص و طمع نمی‌ورزد. فضیلت حیا در بین فضائل دیگر جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان سرآمد مکارم معرفی شده است. حیا با کرامت رابطه مستقیمی دارد و تمام الکریم شمرده شده است (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶).

ویژگی صبر نیز در ساحت‌های مختلف انسان کریم بروز و ظهور دارد. همان‌طور که در روایات صبر گذشت انسان کریم به‌وسیله صبر دشواری‌ها و ناگواری‌ها را تحمل می‌کند، ارزش‌ها و

فضیلت‌ها را پایدار می‌سازد، جهالت‌ها، ظلم‌ها و کمبود امکانات را تحمل می‌کند و واکنش‌های خود را تنظیم می‌کند. انسان کریم برای پایدار کردن ارزش‌ها و واکنش فضیلت‌مندانه در تعاملات اجتماعی به ویژگی صبر نیاز دارد (ر. ک: همان، ص ۸۸).

با توجه به صورت‌های مختلف عطا و بخشش که در روایات بیان شده است، مشخص می‌شود که عطا و بخشش نقشی تعیین‌کننده در ساختار وجودی انسان کریم دارند و بدون وجود آن‌ها انسان، کریم شمرده نمی‌شود. جود، احسان، برّ، صلهرحم، ایثار، ترادف الانعام، بذل الرفد، کثرة الافضال، اصطناع المعروف و حسن الصنّیعه و ویژگی‌هایی‌اند که از کرامت انسان ناشی می‌شوند و همگی در حوزه مواجهه انسان با نیازهای دیگران قرار می‌گیرند (ر. ک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۸ و ۳۹۸).

حسن خلق، وفا، شکر را می‌توان فضائلی برشمرد که انسان کریم در تعاملات خود با انسان‌های دیگر و در روابط اجتماعی دارا است. انسان کریم در موقعیت‌هایی که مورد ظلم واقع شده است، با عفو، صفح و غفران، واکنشی فضیلت‌مندانه و ارزش‌مدارانه از خود نشان می‌دهد. شیوه مواجهه انسان کریم با جهالت ورزی‌ها و افراد جاهل به صورت کظم غیظ، تغافل و انخداع است (ر. ک: حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۹ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۸ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۷).

همچنین انسان کریم به امکانات موجود خویش اکتفا می‌کند و در زندگی خویش قناعت می‌ورزد. او از توانایی تطبیق بر شرایط موجود برخوردار است. به خاطر فضائل ارزشمندی که در انسان کریم وجود دارد وی سرور و شادمانی را در هر لحظه تجربه می‌کند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۲۳) و به خاطر این فضیلت‌مندی، احساس رضایت و خرسندی دارد. وجود مجموعه این ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری، الگوی انسانی سالم را از منظری روان‌شناختی فراهم می‌آورد که فرد را در مواجهه با مشکلات به‌قدر کافی توانمند می‌سازد.

در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت صفت کرامت و فضائل متعدد نهفته در آن و ارتباطی که با سلامت و بهزیستی روانی دارد مداخله‌ای در جهت آموزش و ارتقای ویژگی کرامت طراحی شود. همچنین خلأ ابزاری که بتواند ویژگی کرامت را با تمام ابعاد آن بررسی کند وجود دارد که این امر زمینه‌ای مناسب را برای پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه فراهم می‌سازد.

۱. الْکَرِیْمُ یَبْتَهِجُ بِفَضْلِهِ

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.

ابن اثير، مبارك بن محمد (۱۳۶۷). النهاية في غريب الحديث. قم: موسسه اسماعيليان.

ابن شهر آشوب، محمد بن علي (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب عليه السلام. قم: علامه.

ابن طاووس، علي بن موسى (۱۴۰۹). إقبال الأعمال. تهران: دار الكتب الإسلامية.

ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴). معجم مقاييس اللغة. هارون عبدالسلام محمد، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.

ابن منظور، أبو الفضل محمد بن مكرم المصري (۱۴۱۰). لسان العرب. بيروت: دار صادر.

اربلي، علي بن عيسى (۱۳۸۱). كشف الغمة في معرفة الأئمة. سيد هاشم رسولي محلاتي، تبريز: بني هاشمي.

زهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). تهذيب اللغة. بيروت، دار احياء التراث العربي.

پسنديده، عباس (۱۳۹۶). روش فهم روانشناختی متون دينی (فرمد): بررسی تک متن.

پژوهشنامه روان شناسی اسلامی، ۳(۶)، ۶۷-۹۱

ترمذی، محمد بن عيسى (۱۴۲۵). سنن الترمذی (الجامع الصحيح). بيروت: دار إحياء التراث.

تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم. سيد مهدي رجائي، قم: دارالكتاب اسلامي.

جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۳). صورت و سيرت انسان در قرآن. قم: نشر اسراء.

حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴). تحف العقول. علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه.

حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. قم: مدرسه امام مهدي.

خزاعی، زهرا (۱۳۸۹). کرامت انسانی در ادیان الهی و فلسفه اخلاق. سایت خانه اخلاق پژوهان جوان.

خطیب، سیدمهدی (۱۳۹۹). صفات مثبت در روان شناسی مثبت گرا و مقایسه آن با دیدگاه اسلام. قم: پژوهشگاه قرآن و حدیث (منتشر نشده).

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بيروت و دمشق: دار القلم و الدار الشاميه.



- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: هجرت.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تطبیق آن با سلسله نیازهای مزلو. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، (۱)، ۸۷-۱۱۶.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). مصباح المتعبد و سلاح المتهجد: بیروت: موسسه فقه الشیعه.
- عبدی، حمزه و پسندیده، عباس (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل روایات مکارم الاخلاق. قم: موسسه دارالحديث.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر. قم: نشر دار الرضی.
- کار، آلن (۱۳۹۱). روان‌شناسی مثبت علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات سخن
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
- کلارک، امینه؛ کلمز، هریس و بین، رینولد (۱۳۷۸). روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان. مشهد، به نشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محمدپور دهکردی، سیما (۱۳۹۱). کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا و کانت. قم: موسسه بوستان کتاب.
- محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله و کمالوند، پیمان (۱۳۹۵). مفهوم شناسی تطبیقی عزت نفس در قرآن و روان‌شناسی انسان‌گرا. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۷)، ۲۴-۱-۳۲.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

- Coopersmith, S. (1968). Studies in self-esteem. Scientific American, 218(2), 96-107.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative health research, 15(9), 1277-1288.
- Maslow, A. H. (1970). New introduction: Religions, values, and peak-experiences. Journal of Transpersonal Psychology, 2(2), 83-90.
- Maslow, A. H. (1987). Motivation and personality. 3rd ed. New York: Harper & Row.



۲۵

مدل مفهومی انسان کریم بر اساس منابع دینی

